

## ماوشناخت فلسفی از خشونت و تروریزم!



### متهم میکنم!

بیوسنه بگذشته فصل دوم قسمت بی و دوم:

متهم می کنم، پیشگویی های مردانی را که به امید تحقق یک صلح کاذب نجوا می کردند و هنوز هم در راه رسیدن به ثروت و قدرت به دروغ متصل می شوند ، متهم می کنم ، مریدانی از صلح خواهی را که نه میدانند صلح متاعی نیست که از بازار بدست آورد و نمی فهمند و نه میدانند که پایه های اساسی صلح خواهی چیست ؟ ولی راه های پرخم و پیچ و سنگلاخهای خونینی را به نام یک صلح نا شناخته می پیمایند ! متهم می کنم مرشدانی را که با گذشت عمری از مبارزه و قتل و خشونت یک شبه دموکرات شدند و ادای انبیأ و پیامبران صالح خدا را در می آورند و در گرماگرم مصیبت ها ، دروغ سازی ها هم دست قاتلان و جلادان معلوم الهویه شدند .

<https://www.youtube.com/watch?v=up6hvmngG3Y>

این هایند که در گرماگرم مصیبت ها ، دروغ سازی ها و شایعه پراگنی ها و تهمت زنی ها و بکار افتادن ابزار تحریف و تکفیر و ایجاد جنگ های زرگری و حساسیت های مصنوعی و اغفال اذهان عامه جاده صاف کن ارزان قیمت استعمار شده اند زیرا امروز احساسی که فرد فردی از انسانهای روی زمین دارند این است که برای غلبه برجهل و فریب و ریأ و خیانت باردیگر با بازگشت به خویش و بروی معادلات آزموده شده در تاریخ بشر اساس محکم یک تمدن بزرگ انسانی را بوجود آورند ، اما کیست که در دوران ما شاهد رویش و پرورش مناسبات تازه استعماری و اشرافی نبوده و نیست . در روزگاری که استعمار جهانی افکار بسیاری از روشنفکران و با مسخ شالوده های فکری تمدن بشری مزرعه ای از حیات انسان را به تصرف خود درآورده است و با نفی هرگونه حق و حقوق ملت ها تفوق وجودی خود را بر آنها استقرار بخشیده است و می بینیم که استعمار با میتوذهای آزموده شده استعماری علیه ملت های عقب نگه داشته شده عمل میکنند

**ما وشناخت فلسفی خشونت و تروریزم!**

<https://www.youtube.com/watch?v=Z-GGAcuyWk>

چنانچه بارها از این قلم مطالعه فرموده اید و اکنون نیز پایه های ایمانم درزمینه شناخت هستی و انسان براین باوراستواراست که کاملاً بی معنا خواهد بود ، عده ای از برجسته ترین مهندسان و معماران بر مبنای تکنیک بسیار پیشرفته از بهترین بخشی از یک خانه سخن بگویند قبل از آنکه برایشان معلوم شده باشد که با چه تعداد و چه تپیی از یک خانواده

و با چه نیازهای در آن خانه زندگی خواهند کرد؟ بدون شک یکی از علل اصلی مذهب‌یون سنتی در تاریخ بشرنگاه خرافاتی و غیرعقلانی به هستی و حیات بشر است در حالیکه تمامی پیامبران و انبیا بزرگ الهی مأمور دعوت دادن انسان به زندگی صلح آمیز بشر بوده اند با دریغ و تأسف که استعمارامروزی با شیوه و بکارگیری تاکتیک های مدرن استعماری که با کمک شوالیه های ریا کارمذهبی و شبه روشنفکرانی که تشنه گی قدرت و ثروت مافیائی خشونت و تروریزم را یک پدیده نه فطری بلکه تاریخی و از لحاظ جامعه شناسی متعلق به ادیان می پندارند . در حالیکه اگر ما انسان را بصورت دیالکتیکی و شیوه علمی در تاریخ هستی مورد مطالعه قرار دهیم در می یابیم که انسان جانشین خدا در زمین است و این سخنان گواهی میدهند که در انسان خدا نهفته است و خدا گل آنرا فروپاشیده است و انسان یک موجود طبیعی دارای ظرفیت های تکاملی است که روح الهی را در خویش پنهان دارد. نباید فراموش کرد که خشونت و تروریزم یک غریزه و فطری و ماورای مذهبی است که با تأسف استعمار با شیوه غلطی با استفاده ابرای از جامعه شناسی علمی در همدستی با کنگسترهای که جامعه مذهب برتن کرده اند و با مختصر شستشوی مغزی این خونریزی را منصوب به مذهب بویژه اسلام اعلام میدارند . و در بدل این خدمت بزرگی که سادوهای مذهبی انجام دادند به مقتضای منافع مادی و دنیوی خویش زمام جوامع عقب نگه داشته ای را به عناوین و القاب بلند بالای مذهبی و شبه اکادمیک مافیائی به زمامداری و تعیین شبه سرنوشت ملت های میرسانند که در گذشته بزرگترین تمدن ها و فرهنگها را بوجود آورده بودند .



جالب و سخت شگفت انگیز است که وقتی گروهی و تعدادی کثیری از شهروندان به غلط و یاهم صحیح از پذیرفتن این زمام داران دست نشانده ابا میورزند و فریاد برمی آورند که ما یک رهبر واقعی و حقیقی ای می خواهیم که از جنس ما و با نقشه راه روشن و با ثبات در جهان معاصر باشد نه کسی و کسانی را که از دروازه های بسته داخل و از سوی استعمار منصوب و روزی چندین مرتبه لباس عوض میکنند و هم رنگ هر جماعت میشوند و هیچگاه از وسوسه ی آب و نان فارغ نه میشوند و نادانی و بی شعوری چهره های شانرا ترحم انگیز و رقت بار ساخته اند چنین آدمک های کارتونی هرگز نه میتوانند امام و پیشوای ما باشند . اینجاست که میبینیم استعمار و هم پالکی هایش خشونت و جنایت را که یک غریزه طبیعی در وجود بشر است با مهارت و زرنگی خاصی با مسخ علمی و فلسفی ماهیت دین پینه زدند و با ایجاد فرقه های گوناگونی در تاریخ بشر نخست کلیسا و سپس مسجد را که بزرگترین مراکزی از ایمان به شمار میروند به پایگاه هاوتریبون های

بیان اهداف پلید استعماری مبدل ساختند. نباید تعجب کرد که چگونه استعمار و استبداد گفتمان خشونت و تروریزم را به برخلاف فطرت بشر در بخش های عمده ای از تاریخ با وجود آوردن فرقه های گوناگونی چون خوارج ، اشعری گری ، نو اشعری گری و بالاخره سلفی گری در زیر چتر مذهب در تاریخ جهان منصوب به دین اسلام قلمداد کرد . یعنی با تحقیر عقل و خرد در حوزه دین شناسی آن را به عنوان گفتمان حاکم دینی برسمیت شناختند . بدون تردید امروز با چهره دیگر و نا آشناتری از توطئه ها و سازشهای بسیار پیچیده استعمار روبرو گشته ایم و در راستای همین استراتژی است که نسل آزادی خواه و عدالت پسند جوامع شرقی منجمله افغانستان را معتاد بر مفتخواری و ذلت می نمایند . همین ابهام در شناخت و مسائل و اهداف استراتژیک حاصل قرئتهای اتوکراتیک و اریستوکراتیک در رابطه به دموکراسی و مردم سالاری است که برخی از مشکلات سیاسی و گره های تیوریک مربوط به مشروعیت و قدرت در جامعه افغانی را به بار آورده است از این رو برای تنظیم رابطه همسازگر میان مردم سالاری و دیکتاتوری و تعیین نسبت میان آنها با یکدیگر ضروری است که ببینیم در چه نیرویی و کدامین رجال حقیقی و حقوقی جامعه مبارزه با خشونت به وجدان و اخلاق مبدل شده است



ترفند های تازه ای مالا مال از خشونت و جنایت را بنام مبارزه با خشونت و تروریزم

### **تاریخ و جغرافیای سرکسی بنام شورای صلح!**

شاید مردم زیادی متوجه نباشند که تنها تاریخ نه بلکه جغرافیا نیز در حیات ملل و کشورهای جنگزده و در حال رشد عقب نگهداشته شده تأثیر فراوان و فوق العاده ای دارد . حتی احساس ها و عواطف و قضاوتها نیز در مؤقبعیت های مختلف جغرافیای تأثیر پذیر اند احساسی که میتواند یک شهروند مسؤل در زندگی روزمره داشته باشد با احساسات دفتر نشینان و " مفتیان مفت " تفاوت فروانی دارد ، همچنان درد یک قصر نشین آسوده خاطر نیز با درد یک آواره خانه بدوش و در گریز از آشوبهای زمان نیز تفاوت میکند البته هنر مدیریت یک جامعه در این است که نیازهای تاریخی یک ملت را با جغرافیای خود و آینده ملت تلفیق دهند . درست از همان لحظاتی که قصر سفید تلاش میکرد تا سران طالبان را قانع سازند که اسامه بن لادن متهم شماره اول حوادث خونین یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده امریکا را به قصر سفید تحویل دهند

<https://www.youtube.com/watch?v=j4PD4fxmwpY>

و در مقابل آن رژیم طالبان را برسمیت شناخته و در امور داخلی افغانستان نیز بدون آنکه از جانب ایالات متحده امریکا احساس خطر نمایند حکومت امریکا در راستای تقویت پایه

های رژیم طالبان از هر نوع همکاری دریغ نخواهند ورزید . اما نفوذ قاطع برخی حلقه های استخباراتی بر امارت طالبان سبب گردید تا اسامه بن لادن را که روزگاری یکجا با دیگر جنگجویان موسوم به عرب های افغان از سوی ایالات متحده امریکا به پاکستان اعزام شده بود با این زودی تحویل امریکا نمایند . طرح حمله بر رژیم طالبان و ایجاد پروژه پرهزینه ای بنام کمسیون مستقل ملی تحکیم صلح افغانستان را نیز بحیث یک الترناتیو تحویل اسامه بن لادن در نظر گرفته بود که با حمله ائتلاف جهانی ضد تروریسم بر رژیم طالبان این نهاد استخباراتی با بودجه وامکانات فروان دالری بر رهبری حضرت صبغت الله مجددی یک چهرهء نامور و شناخته شده روحانی عرض اندام کرد و پس از چند سالی که بدون نتایج ملموسی در جذب و جلب مخالفان اداره موقت و انتقالی بر رهبری زنده یاد استاد برهان الدین ربانی

[https://www.youtube.com/watch?time\\_continue=1&v=zjB4Y3NtvrQ](https://www.youtube.com/watch?time_continue=1&v=zjB4Y3NtvrQ)

که از رهبران مجاهدین نسبتاً معتدل در زمره رهبران و سران مجاهدین به شمار می آمد که با تشکیلات وسیع و عریضی و با همان مصارف و هزینه های بنام شورای عالی صلح افغانستان بوجود آوردند . و این تشکیلات گسترده ای برای تحقق صلح نیز تا اکنون بحیث یک نهاد بی ثمر در راستای رسیدن به صلح با شکست مواجه بوده است و در این راستا اندکترین دست آوردی نداشته است البته بزرگترین و در عین حال آنچه را که به عنوان یک پدیده مهلک باید به آن نگریست اعتیاد بر مصرف تمامی اکابر و رجال وابسته به این شرکت موسوم به شورای عالی صلح دانیست که همچون اکثریت فقیر و نادار جامعه جنگزده افغانستان به دالرهای مفت یا معجون مرگ دسترسی پیدا کرده است .

[https://www.youtube.com/watch?v=z\\_HB4eYvJY8&feature=youtu.be](https://www.youtube.com/watch?v=z_HB4eYvJY8&feature=youtu.be)

نباید فراموش کرد که بودجه ء هزینه های سرسام آور این مغازهء مافیائی صلح نیز از همان پولهای بی زبان دالری پرداخته میشود که به قول اشرف خان غنی احمد زی سر قوماندان اعلی قوای مسلح و رئیس جمهور منتخب جمهوری اسلامی افغانستان از جامعه جهانی به گدائی و تضرع حاصل می گردد .

<https://www.youtube.com/watch?v=WsO5mTzTwZc&feature=youtu.be>

جالب و شگفت انگیز است که یکی از مرشدانی که تازه از مغاره های لغمان شریف ظهور کرده و با مافیای حاکم دالری پیوسته در یک روز نسبتاً بهاری و در جمع مریدان سینه چاک اش شورای عالی صلح افغانستان را آنگاه که نتوانیست به این مقام تشریفاتی دالری دسترسی پیدا کند گفت :

<https://www.youtube.com/watch?v=tya5TflQgvo>

چنانچه از زبان مبارک مرشد میشنوید که شورای صلح افغانستان را فقط یک نام تلقی نمودند و گفتند که برای عده ای از افراد صرف معاشات می پردازند اضافه نمودند که نه در گذشته در راه تحقق صلح نقش داشتند و نه هم امروز نقش دارد و در تحقق صلح میان حزب اسلامی و دولت افغانستان نیز اندکترین نقشی نداشته است جالب آنجاست که وی بصورت خارق العاده از نیت و اراده گروه طالبان نیز آگاهی دارد و می فرماید که طالبان می گویند که شما در رأس این نهاد کسی را تعیین کرده اید که نه ما زبان وی را میدانیم و نه هم وی زبان ما را ! و در گذشته نیز با ما جنگیده است . این اظهارات را جناب گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی افغانستان در حالی بر زبان می آورند که امضای

موافقتنامه حزب اسلامی را محصول تلاشهای پیر سید احمد گیلانی رهبر فقید صلح دانسته بود

[https://www.youtube.com/watch?v=FEC\\_CNx9Dec](https://www.youtube.com/watch?v=FEC_CNx9Dec)

و باری در محفلی که به مناسبت ورود اش به کابل از سوی حکومت افغانستان در قصر گلخانه ارگ ترتیب داده شده بود تلاش های مرحوم سید احمد گیلانی را در امر امضای موافقتنامه صلح با حزب اسلامی نه تنها مورد تمجید قرار داده بود بلکه از وی به عنوان کسی یاد نموده بود که اگر موافقتنامه ای حکومت با حزب اسلامی افغانستان به امضا نرسد وی از مقامش استعفی خواهند داد. باید با صراحت کامل و احترام به افکار سنگواره ای مخالفان صلح و مردم سالاری گفت که نه میتوان با شعار های میان تهی و فاقد مشروعیت حقوقی و حقیقی که برخلاف ادوار گذشته بلکه امروز حتی همین عوام کالانعام نیز که از بحر عظیم ساده اندیشی و بیسوادی توأم به فقر اقتصادی آنها ماهیان اهداف و منافع مافیائی را صید میکنند فریب دجالان و فریبکاران را بخورند

<https://www.youtube.com/watch?v=jKgRtfexvna>

### نتیجه و چه باید کرد؟

برای یافتن درک درست از آنچه که بیان میکنیم در دوره جدید باید به سرچشمه های نخستین و علل و اسباب جریانات اولیه آن در تاریخ بشر مراجعه کرد در عصری که بد در کنار خوب - زشت در کنار زیبا و حق در کنار نبوغ عرضه میشوند یک مبارز راه آزادی و عدالت باید حرمت به انسان را ملاک راه آینده و حقانیت اندیشه هایش تعیین کند و قلم صریح و تیزو خستگی ناپذیرش را مانند شمشیری بین خشونت و صلح قرار دهد تا فلان مرشدی که تازه ظهور کرده و پس از ظهور نامقدس اش تبدیل به پوسیده گی گشته است دیگر ادعای پیشوائی مردم نکند. نه میتوان خود را یک انسان آزادی خواه راستین و عدالت طلب نامید قبل از آنکه در ذات خویش جوهر آنچنانی خالص و خداگونه ای بسازیم که برآستی کمتر از آنچه حق ما به عنوان یک شهروند مسؤل در جامعه است بخاطر شهروند دیگری که حق کم دارد بخواهیم یعنی برابری با دیگری را برتر از احقاق حق و حقوق خویش تلقی کنیم و این جز با رسیدن به مرحله ای از ایثار که درجه ای از تکامل وجود معنوی آدمی است میسر نخواهد بود.



چگونه میتوان از جامعه عادلانه ای دم زد درحالیکه انگیزه های مادی افراد آن جامعه را به حرکت می آورند و فلسفه مادی، تلقی ما از وجود ما را تشکیل میدهد. از آن گذشته چگونه میتوان به تکامل معنوی جوهر انسان که عشق و ایمان را فرا می خواند اندیشید و چگونه میتوان به خدا پرستی که پرستش ارزشهای متعالی است فکر کرد در حالیکه

نظامی حاکم بر سرنوشت انسانها ، نظامی است که پول و مصرف و انگیزه های غریزی و مادی، بنام بازار آزاد بر آن حاکم است . آری در نظامی که برتضاد گسترده طبقاتی بر انتقال همه ارزشهای انسانی به قدرت پول و ثروت استواراست چگونه می شود از دموکراسی و آزادی سیاسی سخن گفت ؟ دموکراسی و سرمایه داری؟؟



ایندورا چگونه باهم جمع میتوان ساخت ؟ مگر اینکه از دموکراسی پوشش دروغین برای پنهان ساختن غارتگری بسازیم و این کثیف ترین فریب و بزرگترین آفت دموکراسی است . لهدا راه این است که نخست باید در مسیر پرخم و پیچ تکامل عمومی بشر در افق اندیشه ما حرمت به انسان را بالاتر از هر اندیشه اعم از دینی و غیر دینی نهادینه ساخت و شعار ضد مرگ و خونریزی را چنانچه پروردگار در گفتمان قبل از مذهب و در دوره ای از خلافت که با فرشته گان انجام داد و فساد و خونریزی را به عنوان پدیده های زشتی شناسائی نموده بود به حیث نخستین شعار حرکت مدنی خویش مطرح کرد .

